

آداب مهمانی رفتن در اسلام

از آنجا که اسلام دینی کامل است و سعادت بشر را تضمین می نماید پس آداب و رفتار خاصی نیز مورد نظرش می باشد تا انسان ها با رعایت آن آداب قدم در مسیر سعادت بگذارند. بی شك مهمترین راهنمای سعادت بشر کتاب الهی قرآن است و هر آنچه در این راه لازم است در قرآن آمده. یکی از جلوه های بارز روابط اجتماعی انسان ارتباط و میهمانی است که در قرآن نکات قابل تاملی درباره آن آمده که در این مجال کوتاه به آن می پردازیم.

حضور بموقع

حاضر شدن در منزل میزبان ابتدایی ترین نکته ای است که هر میهمانی باید بداند. چگونگی حضور و زمان حضور در میهمانی در آیه ای از قرآن مورد توجه قرار گرفته است.

«یا ایها الذین ءامنوا لاتدخلوا بیوت النبی إلا ان یؤذن لکم الی طعام غیر ناظرین اناه؛(۱) ای کسانی که ایمان آورده اید، داخل اتاق های پیامبر نشوید، مگر آن که برای [خوردن] طعام به شما اجازه داده شود، [آن هم] بی آن که در انتظار پخته شدن آن باشید».

یکی از پیام های این فراز از آیه آن است که اگر برای طعام دعوت شدید، پیش از وقت غذا در منزل میزبان حاضر نشوید، به طوری که تا زمان آماده شدن غذا، مدتی طول بکشد، بلکه بموقع به آنجا بروید تا مزاحم اهل خانه نباشید و وقت صاحب خانه، بیش از اندازه ای که تعیین کرده، تلف نشود.

پرهیز از حضور بدون دعوت

یکی از آداب حضور در میهمانی، با دعوت رفتن است. شایسته نیست شخصی بدون دعوت صاحب خانه، بویژه در وقت غذا خوردن به خانه او رود. در ادامه آیه ۵۳ سوره احزاب می خوانیم: «ولکن إذا دعیتم فادخلوا؛ ولی هنگامی که دعوت شدید داخل گردید».

این فراز، تنها مختص میهمانی های پیامبر نیست. بلکه يك دستور اخلاقی در میهمانی است. شاهد این مدعا، روایاتی است که در این زمینه آمده است.

در وصایای پیامبر(صلی الله علیه وآله) به امیر مؤمنان (علیه السلام) می خوانیم: «یا علی ثمانیه ان اهینوا فلا یلوموا إلا انفسهم الذاهب الی مائده لم یدع الیها؛(۲) یا علی! هشت گروه اند که اگر به آنها اهانت شد، باید تنها خود را ملامت کنند: یکی از آنها کسی [است] که بدون دعوت به سر سفره ای می نشیند».

رعایت این مساله، از يك سو، احترام به میزبان است و از سوی دیگر اطمینان از این که مزاحمتی برای میزبان و خانواده او ایجاد نخواهد شد.

البته قبول دعوت میزبان نیز در فرهنگ اسلامی بسیار مورد تاکید قرار گرفته است. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: «من الجفاء ان يدعى الرجل الى طعام فلا يجيب او يجيب فلا ياكل؛(۳) یکی از موارد جفا آن است که انسان را به غذایی دعوت کنند و نپذیرد یا بپذیرد ولی غذا نخورد».

ورود با اجازه به منزل میزبان

در سوره مبارکه نور آمده است: «ياايها الذين امنوا لاتدخلوا بيوتا غيرہ بيوتکم حتی تستانسوا و تسلما علی اهلها؛(۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! به خانه هایی که خانه های شما نیست داخل نشوید، تا اجازه بگیری و بر اهل آن سلام گویند».

ابوایوب انصاری از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) درباره معنای «حتی تستانسوا» سؤال کرد. آن حضرت در پاسخ فرمود: «اذا جاء الرجل الى باب الدار يسبح و يهلل حتى يعلم اهل الدار انه يريد الدخول فيها؛(۵) هنگامی که شخص به در منزل نزدیک می شود، تسبیح و تهلیل گوید تا اهل خانه بدانند که او قصد داخل شدن دارد».

در روایت حتی اجازه خواستن شرح داده شده است. از امام صادق(علیه السلام) نقل شده که فرمود: «هنگامی که یکی از شما اجازه می خواهد، باید با «سلام» آغاز کند، زیرا سلام اسمی است از اسماء خداوند عزوجل؛ و باید از پشت در قبل از نگاه کردن به درون خانه، اجازه بگیرد... اجازه خواستن، سه مرتبه است؛... نخستین مرتبه برای آگاه شدن اهل خانه است. در مرتبه دوم، ساکنان خانه آماده می شوند و در بار سوم، ایشان مختارند که اگر خواستند اجازه دهند و اگر مایل نبودند اجازه ندهند؛ که در آن صورت، میهمان باید برگردد. رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، چون به در خانه گروهی می آمد، قبل از آن که، سه بار با «سلام» آنها را آگاه کند، باز نمی گشت.»(۶)

سلام کردن به اهل منزل

یکی از زیبا ترین آداب دین، سلام کردن به هنگام ملاقات دیگران است. لطافت معنای این تعبیر، با توجه به آن که نامی از نام های خداست و معنای بلندی دارد، دو چندان می گردد. بخصوص اگر به ویژگی های روحی انسان ها توجه شود، ارزش این ادب آشکار تر خواهد شد. چرا که انسان، طبیعتاً موجودی سرکش و خودخواه است. این ادب، به هنگام ورود به منزل میهمان نیز مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم یکی از توصیه ها به میهمان را سلام کردن ذکر کرده است.

«ياايها الذين امنوا لاتدخلوا بيوتا غير بیوتکم حتی تستانسوا و تسلما علی اهلها؛(۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! به خانه هایی که خانه های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیری و بر اهل آن سلام گویند».

«ونبئهم عن ضیف ابراهیم اذ دخلوا علیه فقالوا سلما؛(۸) و از میهمانان ابراهیم به آنان خبر ده، هنگامی که بر او وارد شدند و سلام گفتند».

«فإذا دخلتم بيوتا فسلموا على أنفسكم؛ (۹) پس چون به خانه هایی [که گفته شد] در آمدید، به یکدیگر سلام کنید.»

چنان که در آیات ۵۱ و ۵۲ سوره حجر مشاهده می فرمایید، نخستین کلام میهمانان ابراهیم (علیه السلام) که فرشتگان الهی بودند در برخورد با پیامبر خدا، «سلام» عنوان شده است. در این زمینه، روایات فراوان است. سلام کردن، حتی به هنگام ورود به منزل شخصی خود نیز تاکید شده است. به عنوان نمونه، امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إذا دخل الرجل منكم بيته فآن كان فيه احد يسلم عليهم و ان لم يكن فيه احد فليقل السلام علينا من عند ربنا يقول الله (۱۰) «تحية من عند الله مبارکه طيبه؛ (۱۱) چون یکی از شما وارد خانه اش شود، اگر کسی در آن بود بر ایشان سلام می کند و اگر کسی در خانه نبود، باید بگوید: سلام بر ما از جانب پروردگاران، خداوند می فرماید: «درود و تحیتی است مبارك و پاک از جانب خداوند.» (۱۱)

اجتناب از مزاحمت

میهمان باید توجه داشته باشد که دعوت از او برای مدت محدودی است. لذا نباید بیش از آن در منزل میزبان درنگ کند. این مطلب در قرآن، در مورد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است که مسلماً قابل تعمیم نیز می باشد: «فاذا طعمتم فانتشروا ولا مستنسين لحديث إن ذلکم کان یودی النبی فیستحی منکم والله لایستحی من الحق؛ (۱۲) و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید بی آن که سرگرم سخن گردید. این [رفتار] شما پیامبر را می رنجاند [ولی] از شما شرم می دارد، و حال آن که خدا از حق [گویی] شرم نمی کند.»

رعایت کردن حد میهمان، از اصول فرهنگی غنی اسلام است. امام صادق (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «الضيافة ثلاثة اول يوم حق و الثاني و الثالث جائزه و ما بعد ذلك فانها صدقه بها علیه ثم قال (صلی الله علیه و آله): لا ینزّلن احدکم علی اخیه حتی یوثمه قیل: یا رسول الله، و کیف یوثمه قال (صلی الله علیه و آله): حتی لا یكون عنده ما ینفق علیه؛ (۱۳) میهمانی سه [روز] است: روز اول، حق است و روز دوم و سوم بخشش و بعد از آن به راستی صدقه ای است که به او داده می شود. سپس فرمود: نباید یکی از شما [به عنوان میهمان] بر برادرش وارد شود تا جایی که او را به گناه وادار کند. گفته شد: یا رسول الله! چگونه او را به گناه می کشاند فرمود: تا آنجا که چیزی برای انفاق به وی نزد او نباشد.»

آداب میهمانی دادن

در فرهنگ متعادل و غنی دین اسلام، پذیرایی نیکو از میهمان نیز آداب و توصیه هایی دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

تعجیل در تهیه غذا و پذیرایی مناسب

یکی از موارد احترام به میهمان، آن است که پذیرایی از او را به درازا نکشانند و بهترین پذیرایی را از او به عمل آورند. این هر دو دستور را از آیه ۶۹ سوره هود که در مورد میزبانی حضرت ابراهیم(علیه السلام) است می توان دریافت: «فما لبث ان جاء بعجل حنیز؛ و دیری نپایید که گوساله ای بریان آورد».

این آیه، جریان دو میهمان گرامی حضرت ابراهیم(علیه السلام) که دو فرشته الهی بودند و پذیرایی آن حضرت از ایشان را بیان می کند. عبارت «فما لبث؛ دیر نپایید» بیانگر سرعت عمل حضرت ابراهیم(علیه السلام) در تهیه غذا و نوع غذا (گوساله بریان) نشانه پذیرایی مناسب حضرت از میهمانان است.

هر دو مورد ذکر شده، به نوعی بزرگداشت میهمان و احترام به اوست. در روایات نیز توصیه های ظریفی در مورد پذیرایی از میهمان وارد شده است. از آن جمله این سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله): «ان من حق الضیف ان يعد له الخلال؛(۱۴) به راستی، یکی از حقوق میهمان آن است که خلال برای او آماده شود.» دقت و ظرافت این چنین در پذیرایی از میهمان، از سوی پیامبر بزرگ که جهانی را تا ابد تحت تاثیر انقلاب خود قرار داده است، عقل متفکران را خیره می سازد.

گرامی داشتن میهمان

نکته دیگری که جریان میزبانی حضرت ابراهیم(علیه السلام) به ما می آموزد، گرامی داشتن میهمان است. این مطلب را به نحو مستقیم تر در سوره ذاریات مشاهده می کنیم:

«هل اترك حديث ضيف ابراهيم المكرمین؛(۱۵) آیا خبر میهمانان ارجمند ابراهیم به تو رسید « از آنجا که میهمانان حضرت ابراهیم(علیه السلام) با عنوان «مکرمین؛ گرامی داشته شدگان» توصیف شده اند، معلوم است که اکرام میهمان، سنتی نیکو و ادبی جمیل است. این مسئله در روایات ما نیز به نحوه مؤکدی وارد شده است. یکی از توصیه های امیر مؤمنان(علیه السلام) در هنگام وفات، به فرزند گرامی اش این بود: «اوصيك يابني بالصلاة عند وقتها... و اکرام الضيف؛(۱۶) فرزندم تو را به نماز در [ابتدای] وقت آن... و گرامی داشتن میهمان وصیت می کنم».

آخرین توصیه ها پیش از مرگ، آن هم از جانب پدری به فرزندش؛ بویژه پدر و فرزندی که کاملترین انسان ها و وصایای رسول خدایند، مسلماً ارزشمندترین نکات را در برخواهد داشت.

در روایت دیگری، امیر المؤمنین(علیه السلام) از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نقل کرد که فرمود: «من حق الضيف ان تمشي معه فتخرجه من حریمك الى الباب؛(۱۷) از حقوق میهمان آن است که [هنگام رفتن او] با او راه بروی و او را از حریم خود به سوی در راهنمایی کنی».

پذیرفتن دعوت مومن

امام صادق (ع) در این خصوص می فرماید: یکی از حقوق واجب مومن بر مومن این است که دعوت او را بپذیرد (۱۸) لذا شایسته است وقتی مومنی انسان را دعوت می کند با کمال میل دعوت او را اجابت کنیم.

شایسته نیست مومن به صورت سر زده به خانه کسی وارد شود بلکه بهتر است از قبل هماهنگ کرده و ورود خود را اطلاع دهد ؛ و اگر بدون هماهنگی جایی رفت و میزبان آمادگی پذیرایی نداشت و عذر او را خواست ، ناراحت نشده و برگردد ؛ چرا که پذیرایی از مهمان ، آمادگی لازم را می خواهد و طبیعتاً ممکن است در هر حال و هر شرایطی انسان آماده پذیرفتن مهمان نباشد.

نشستن در جایی که میزبان پیشنهاد می دهد

امام باقر (ع) می فرماید : هرگاه یکی از شما به خانه برادرش وارد شد ، هر جا صاحب خانه گفت ، همان جا بنشیند ، زیرا صاحب خانه به وضع اتاق خود از میهمان آشناتر است . (۱۹)

کسانی که به مهمانی دعوت نشده اند را همراه خود نبرد

پیامبر خدا (ص) می فرماید : هرگاه یکی از شما به میهمانی دعوت شد ، فرزندش را هم به دنبال خود راه نیندازد که اگر چنین کند ، کار حرامی کرده و با نافرمانی وارد خانه میزبان شده است . (۲۰)

آنچه را که میزبان جلو میهمان می گذارد را کم نشمارد

پیامبر خدا (ص) می فرماید : میهمان را همین گناه بس که آنچه را برادرشان در برابرشان می گذارد کم شمارند . (۲۱)

توقف نکردن بیش از حد در خانه میزبان

پیامبر خدا (ص) می فرماید : مهمانی یک روز و دو روز و سه روز است ، بعد از آن هر چه به او دهی صدقه است (۲۲)

پاورقی:

۱- احزاب ۵۳/.

۲- بحار الانوار، ج، ۷۲ ص ۴۵۲.

۳- قرب الاسناد، حمیری قمی، ص ۱۶۰؛ میزان الحکمه، حدیث ۱۱۱۱۵.

۴- آیه ۲۷.

۵- مستدرک الوسائل، ج، ۸ ص ۳۷۷.

۶- مستدرک الوسائل، ج، ۱۴ ص ۲۸۴.

۷- نور / ۲۷.

- ٨- حجر / ٥١ و ٥٢.
- ٩- نور / ٦١.
- ١٠- بحار الانوار، ج ٧٣، ص ٣.
- ١١- نور / ٦١.
- ١٢- احزاب / ٥٣.
- ١٣- بحار الانوار، ج ٧٢، ص ٤٦٣.
- ١٤- بحار الانوار، ج ٧٢، ص ٤٥٥.
- ١٥- ذاريات / ٢٤.
- ١٦- بحار الانوار، ج ٧٢، ص ٤٥٩.
- ١٧- بحار الانوار، ج ٧٢، ص ٤٥١.
- ١٨- ميزان الحكمة / ج ٧ / ص ٣٢٧٥
- ١٩- ميزان الحكمة / ج ٧ / ص ٣٢٧٩
- ٢٠- ميزان الحكمة / ج ٧ / ص ٣٢٧٩
- ٢١- ميزان الحكمة / ج ٧ / ص ٣٢٧٧
- ٢٢- ميزان الحكمة / ج ٧ / ص ٣٢٧٩